



پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله): پنج شب است که دعا در آن‌ها رد نمی‌شود؛ نخستین شب از ماه رجب، شب نیمه شعبان، شب جمعه، شب عید فطر و شب عید قربان.  
(تاریخ دمشق، ج ۱۰، ص ۴۰۸)



مسئله «غدیر» یک مسئله تاریخی صرف نیست؛ نشانه‌ای از جامعیت اسلام است. اگر نبی مکرم - که در طول ده سال، جامعه بدوی آلوده به تعصبات و خرافات را با آن مجاهدت‌های عظیمی که آن بزرگوار انجام داد و به کمک اصحاب باوفایش به یک جامعه مترقی اسلامی تبدیل کرد - برای بعد از این ده سال، فکری نکرده بود و نقشه‌ای در اختیار امت نگذاشته بود، این کار ناتمام بود. رسوبات تعصبات جاهلی به قدری عمیق بود که شاید برای زدودن آن‌ها سال‌های بسیار طولانی نیاز بود. ظواهر، خوب بود؛ ایمان مردم، ایمان خوبی بود؛ البته همه در یک سطح نبودند؛ بعضی در زمان وفات پیغمبر اکرم یک سال بود، شش ماه بود، دو سال بود که اسلام آورده بودند؛ آن هم هیمنه قدرت نظامی پیغمبر همراه با جاذبه‌های اسلام، این‌ها را به اسلام کشانده بود. همه که جزو آن مسلمانان عمیق دوران اول نبودند. برای پاک کردن رسوبات جاهلی از اعماق این جامعه و مستقیم‌نگه داشتن خط هدایت اسلامی بعد از ده سال زمان پیغمبر، یک تدبیری لازم بود. اگر این تدبیر انجام نمی‌شد، کار ناتمام بود. اینک در آیه ۳ مبارکه سوره مائده می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»، تصریح به همین معناست که این نعمت - نعمت اسلام، نعمت هدایت، نعمت نشان دادن صراط مستقیم به جامعه بشریت - آن وقتی تمام و کامل می‌شد که نقشه راه برای بعد از پیغمبر هم معین باشد؛ این یک امر طبیعی است.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۵/۱۰/۱۸



از باند پرواز  
تا همسایگی خدا...

## توصیه به پاسداران حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب

(گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹/۴/۲۲)



مثلاً فرض کنید به تولید اهمیت ندادیم، به سرمایه‌گذاری اهمیت ندادیم، ناگهان مواجه شدیم با شکست کارخانه‌جات من باب مثال، یا فرض کنید که مشکلات تولید در کشور. خوب وقتی انسان کار نکند، نتیجه کار نکردن مشهود است.

■ برای خدا، یعنی حقیقتاً با نیت خالص، تصمیم بگیرید برای مردم کار کنید. اسیر جَوّ و مانند این چیزها هم نشوید. گاهی اوقات می‌شود جَوّی به وجود می‌آید که انسان را می‌کشاند به یک طرفی؛ نه، نگاه کنید ببینید تکلیف چیست، چه چیزی برای مردم مفید است؛ ولو بر خلاف جَوّ حاکم هم باشد، اشکالی ندارد، آن را دنبال نکنید. اسیر جَوّ نشوید و به تعبیر معروف، جَوّزده نشوید.

■ یک مطلب، مسئله سوگند شما است. این سوگندی که در آغاز مجلس دسته‌جمعی ادا می‌شود، یک سوگند شرعی است و به هیچ وجه تشریفات ظاهری نیست؛ این قسم خوردن است، یعنی تعهد ایجاد می‌کند. شما در این سوگند تعهد کردید که پاسدار حریم اسلام باشید، نگاهبان دستاوردهای انقلاب باشید؛ این‌ها در متن سوگند شما آمده. بایستی بچند پایبند این معنا باشید؛ یعنی نگاهبان دستاوردهای انقلاب و پایبند جدی به این تعهد و پاسدار حریم اسلام. تخلف از این سوگند، بازخواست شرعی دارد، بازخواست الهی دارد؛ یعنی روز قیامت خدای متعال از انسان سؤال می‌کند. این مثل یک قسم معمولی عادی هم نیست؛ آن هم البته تخلف کردنش کفاره دارد، آن هم سؤال دارد از طرف خدای متعال، اما این خیلی فرق می‌کند با اینکه مثلاً ما یک قسمی بخوریم برای یک کار شخصی؛ این یک مسئله عمومی است، مسئله مردمی است، باید جواب داد و این سوگند، سوگند مهمی است.

■ توصیه بعدی ما این است که به مسائل کلیدی توجه کنید، اولویت را به مسائل کلیدی بدهید. به مسائل فرعی و درجه دو گاهی انسان لازم است برسد، لکن جوری برخورد نشود با مسائل درجه دو که مانع از حرکت جدی و متمرکز به سمت مسائل کلیدی بشود.

مشروح این بیانات را در سایت ([www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)) ملاحظه فرمایید.

خدا را شاکر هستیم که این توفیق را به ملت ایران داد که در موعد مقرر و معین بتوانند مجلس شورای اسلامی را تشکیل بدهند و نمایندگان منتخب خودشان را به این مجمع مهم و تأثیرگذار ملی بفرستند، و خدا را شاکر هستیم از اینکه امروز به بنده توفیق داد که بتوانیم با توجه به شرایط جاری کشور، شرایط بیماری و محدودیت‌های موجود، این دیدار را با شما داشته باشیم و عرایضی را عرض بکنیم.

■ این مجلس، مظهر امید مردم است، مظهر انتظار مردم است؛ این بسیار نکته مهمی است.

■ خوشبختانه مجلس تشکیل شده یکی از قوی‌ترین و انقلابی‌ترین مجالس دوران انقلاب هم هست. بحمدالله سرشار است از نیروهای پُرانگیزه و پُرایمان، نیروهای پُر توان، نیروهای جوان.

■ خوشبختانه به مسائل انقلاب هم این مجلس حساس است. در همین یک ماه و اندی که گذشته، انسان احساس می‌کند به مسائل انقلاب حساس‌اند. سرعت عمل هم به خرج دادید؛ هم در تشکیل هیئت‌رئیس، هم در تشکیل کمیسیون‌های تخصصی و تعیین رؤسای این کمیسیون‌ها، و بحمدالله کار را زود پیش بردید و این‌ها همه در خور تحسین است.

■ خب! چهار سال شما در پیش رو دارید؛ چهار سال زمان کمی نیست، زمان زیادی است. بله؛ شما مجری نیستید، اما ریل‌گذار اجرا هستید، می‌توانید تأثیرات بسیار زیادی در مسائل کشور و پیشرفت کشور و آینده کشور بگذارید، آن هم در چهار سال؛ چهار سال زمان کمی نیست.

■ اما در مورد وضعیت عمومی کشور، خوب در کشور مشکلاتی هست که از دید شماها پنهان نیست؛ مشکلات اقتصادی. حالا بحث فرهنگ بحث جداگانه‌ای است که به یک باب واسع دیگری احتیاج دارد؛ من امروز بیشتر روی مسائل اقتصادی تکیه می‌کنم. مشکلات فراوانی در کشور از لحاظ اقتصادی هست، ولی بنیه کشور قوی است؛ این خیلی مهم است. بله؛ بیماری هست، اما بنیه بیمار قوی است و قدرت دفاعی او زیاد است و توان غلبه بر بیماری در او وجود دارد.

■ مشکلات ما هم حقیقتاً ناشی از این است که خودمان کم‌توجهی کردیم: **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتِ الْاِنْسَانُ**؛ (سوره روم، آیه ۴۱) خود ما یک جاهایی بی‌توجهی کردیم، کم‌توجهی کردیم.

# پرسش‌های قرآنی

پاسخ‌های شهید مرتضی مطهری

از هر دری سخنی

**پرسش:** دعوت به حق از دیدگاه قرآن از چه راه‌هایی امکان دارد؟



«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»  
(سوره نحل، آیه ۱۲۵)

این آیه کریمه به اتفاق مفسرین، سه وسیله مختلف برای دعوت و هدایت مردم ذکر کرده و هر یک از این سه وسیله برای یک مورد مخصوص است. می‌فرماید: مردم را به راه پروردگارت بخوان.

کلمه «رب» هرجا ذکر می‌شود، عنایتی است به معنی تربیت. چون مقام، مقام دعوت و تربیت است، با کلمه «رب» تعبیر شده است؛ مردم را به راه پروردگارت بخوان؛ آن راهی که مردم باید پرورش داده شوند و تربیت شوند به آن راه. مردم را بخوان. با چه وسیله؟

به وسیله حکمت. حکمت یعنی سخن متقن و محکم که قابل خدشه و تشکیک نیست و به اصطلاح منطقیین و حکما یعنی سخنی که مقدماتش صددرصد یقینی

است. یعنی مردم را به راه پروردگارت بخوان و با برهان و حکمت و علم صددرصد خالص و عقل خالص.

مفسرین گفته‌اند دعوت کردن به وسیله حکمت و برهان و دلیل عقلی و علمی برای یک دسته خاص است که استعداد آن را دارند. «وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ» یعنی مردم را به راه پروردگارت بخوان به وسیله موعظه خوب و پند و اندرزهای دلپسند. بعضی از مردم استعداد بیان عقلی و علمی ندارند؛ اگر مسائل علمی برای آن‌ها طرح شود، گیج می‌شوند. راه هدایت آن‌ها پند و اندرز است. با تمثیل و قصه و حکایت و هر چیزی که دل آنان را نرم کند، باید آن‌ها را هدایت کرد. سر و کار موعظه و اندرز با دل است و اما سر و کار حکمت و برهان با مغز و عقل و فکر است. اکثریت مردم در مرحله دل و احساسات‌اند، نه در مرحله مغز و عقل و فکر.

«وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» اگر با کسی روبه‌رو شدید که غرضش کشف حقیقت نیست، غرضش این نیست که حقیقتی را بفهمد، آمده برای مجادله و حرف‌زدن و ایرادگرفتن؛ در کمین است یک کلمه‌ای بشنود آن را مستمسک قرار دهد و هو کند و مجادله کند؛ تو هم با این چنین شخصی مجادله کن. اما تو به نحو احسن مجادله کن. در مجادله کن. در مجادله از راه حق و حقیقت خارج نشو، در مجادله بی‌انصافی نکن، حق‌کشی نکن، دروغ به کار نبر، و امثال آن‌ها. این آیه طرق مختلفی برای هدایت ذکر می‌کند و هر طریقی برای موردی خاص است. پس معلوم می‌شود وسیله‌ای که باید در مقام هدایت به کار برد، یکسان و یکنواخت نیست.

منبع: مرتضی مطهری، ده گفتار، صص ۱۹۷ تا ۱۹۹



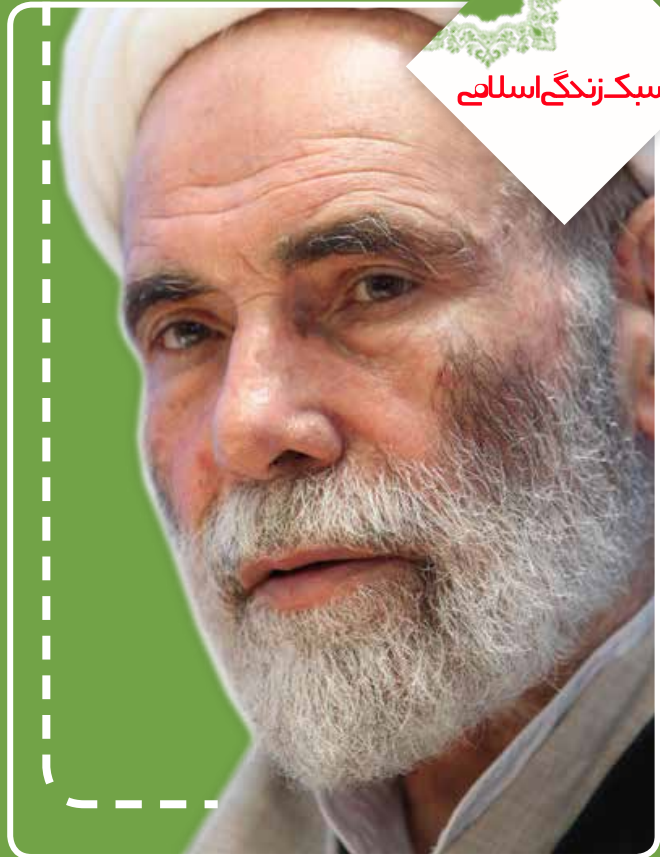
## تقویم و روزشمار ماه ذی الحجه

- |  |  |
|--|--|
| ۱۴ ذی الحجه: خروج پیامبر(ص) از مکه به سمت مدینه در حجة الوداع؛ آخرین حج پیامبر(ص) (سال ۱۰ ه.ق) | ۱ ذی الحجه: ازدواج امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) (سال ۲ ه.ق)                                 |
| ۱۵ ذی الحجه (۱۵ مرداد): ولادت امام هادی(ع) (سال ۲۱۲ ه.ق)، سالروز شهادت امیر خلیبان عباس بابایی | ۳ ذی الحجه: ورود پیامبر(ص) به مکه در سفر حجة الوداع (سال ۱۰ ه.ق)                           |
| ۱۸ ذی الحجه: عید غدیر (سال ۱۰ ه.ق)   | ۶ ذی الحجه: کشتار حجاج ایرانی در مکه، توسط پلیس عربستان (۱۱ مرداد ۱۳۶۶ ه.ش) (سال ۱۴۰۷ ه.ق) |
| ۲۰ ذی الحجه: ولادت امام موسی کاظم(ع)   | ۷ ذی الحجه: شهادت امام محمدباقر(ع)   |
| ۲۴ ذی الحجه: روز مباحله؛ نزول آیه مباحله و آیه تطهیر بر پیامبر(ص) (سال ۹ ه.ق)                  | ۸ ذی الحجه: حرکت امام حسین(ع) از مکه به عراق (سال ۶۰ ه.ق)                                  |
| ۲۶ مرداد: آغاز بازگشت آزادگان به مهین اسلامی (۱۳۶۹ ه.ش)  | ۹ ذی الحجه: روز عرفه   |
|  | ۱۰ ذی الحجه: عید قربان، نماز عید امام رضا(ع) در خراسان (سال ۲۰۱ ه.ق)                       |

# تربیت در محیط خانوادگی

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت دوازدهم



باشد، چه مرز انسانی باشد، تا برسد به عرفی آن، در هر رابطه‌ای، هم قبل را می‌گیرد، هم بعد را می‌گیرد؛ این تا آنجایی است که من عرض کردم و آن اینکه به طور کلی بر اثر تکرار قبائح این پرده حیا از بین نرفته باشد. این را می‌خواستم بگویم خیال نکنید که فقط راجع به قبل است نخیر، بعد از عمل او هم هست. آن وقت اینجاست که نعوذ بالله اگر مسخ شد و این حیا و پرده‌داری او از بین رفت، دست به هر جنایتی می‌زند. ما تعبیر می‌کنیم می‌گوییم: آدم دریده‌ای است. چه را دریده است؟ پرده حیا را دریده و پاره کرده است.

لذا ما این را در روایات متعدده داریم و این روایات را هم خاصه نقل می‌کنند، هم عامه. خیال نکنید فقط از طریق ماست. نه! اهل سنت هم نقل می‌کنند. آن‌ها هم متعدد نقل می‌کنند، ما هم متعدد داریم. دارد از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «لَمْ يَبْقِ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا قَوْلُ النَّاسِ إِذَا لَمْ تَسْتَحِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ».

حضرت فرمودند از مثال‌هایی را که پیامبران الهی می‌زدند باقی نماند مگر این حرفی که حرف همه مردم است، این را خوب دقت کنید، قول همه مردم. چرا؟ چون همه انسان‌اند، حیوان نیستند. و آن مثال شایع در میان مردم این است: وقتی که بنا شد شرم نداشته باشی هر جنایتی می‌خواهی بکن.

یک روایت دیگر از امام هشتم (علیه السلام) دارد. حضرت فرمود: «مَا بَقِيَ مِنْ أَمْثَالِ الْأَنْبِيَاءِ (عليهم السلام) إِلَّا كَلِمَةٌ: إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَأَعْمَلْ مَا شِئْتَ» در روایت قبلی «فَاصْنَعْ» بود این «فَاعْمَلْ» است. یک جمله از مثال‌های انبیا در میان مردم ماند و آن اینکه وقتی که بنا شد شرم نداشته باشی هر چه می‌خواهی بکن. عامه هم نقل می‌کنند. در دو جای

## پرده‌داری در درون فرزند موجود است

هر بچه‌ای که به دنیا می‌آید، از نظر درونی نهاد او این چنین است. پرده‌دار است، نه پرده‌در و همان پرده‌داری موجب می‌شود که به طرف فعل قبیح و زشت نمی‌رود.

من عرض کردم «حیای من الله» داریم، «حیا من الناس» داریم، «حیا من النفس» داریم. این‌ها در جای خودش بحث دارد، ولی بدانید ریشه این است. اینکه من عرض کردم راجع به حیا، هم نسبت به پیشگیری نسبت به افعال زشت است، هم قبل از آن است، هم بعد از آن است. کارسازی دارد. قبل از آن مانعیت دارد؛ یعنی این موجب می‌شود که انسان به سمت کار بد و زشت نرود، یعنی همین شرم که درونی است موجب می‌شود شرم او آید. اگر یک وقتی هم نعوذ بالله فرض کنید یک کار زشتی از او سر زد تا آنجایی که هنوز مسخ نشده است و این پرده به طور کلی دریده نشده و از بین نرفته، متأثر می‌شود. خود او خجالت می‌کشد؛ خودش، خودش را سرزنش می‌کند. لازم نیست دیگران به او بگویند. که ما تعبیر می‌کنیم می‌گوییم: وجداناً ناراحتم. این وجداناً ناراحتم؛ معنای آن، همان مسئله حیا بوده که خداوند در درون او گذاشته بوده است. این پرده را درید و مرتکب این کار زشت شد؛ یعنی این مرزشکنی را کرد، چه مرز الهی

بی‌بندوباری به معنای پرده‌داری، پرده حیای جامعه را می‌درند چه در بُعد دینی آن، و چه در بُعد الهی آن، و چه در بُعد انسانی آن و دیگر هر جنایتی بخواهند می‌کنند؛ «فَأَصْنَعْ مَا شِئْت.»

### ■ ذکر توسل

و این را هم بگویم که از کجا شروع شد؟ من چند جمله ذکر مصیبت بیشتر ندارم. بعد از وفات پیغمبر در هر دو بُعد یعنی بی‌شرمی چه در بُعد الهی آن، چه در بُعد انسانی آن. التماس دعا. کجا؟ جای آن را می‌خواهم برای شما بگویم. می‌گویند آمدند در خانه علی جمع شدند، زهرا (سلام‌الله‌علیها) آمد، در را باز نکرد، در را آتش زدند. من دو سه جمله بیشتر نمی‌گویم در آن روایتی که از خود زهرا (سلام‌الله‌علیها) است، ببینید این‌ها نه حریم الهی را حفظ کردند، نه از خدا خجالت کشیدند و شرم کردند، نه از بُعد انسانی آن. «وَوَكَّلَ الْبَابَ بِرَجُلٍ» چنان لگدی به این در زد «فَرَدَّهُ عَلَيَّ» درب نیم‌سوخته را انداخت روی من «وَأَنَا حَامِلٌ» من باردار بودم، حامله بودم «وَوَالْتَأَنَّتْ تَسَعَّرَ وَتَسْفَعُ وَجْهِي» آتش زبانه می‌کشید و صورت من را می‌سوزاند. این بی‌حیاها نه از خدا، نه از خلق خدا، از هیچ کدام شرم نکردند. بعد می‌دانید چه می‌گوید؟ زهرا می‌گوید: «فَضْرَبْتَنِي بِيَدِهِ» چنان سیلی به صورتم زد «حَتَّى انْتَثَرَ قَرَطِي مِنْ أُنْيَى» گوشواره‌هایم پراکنده شد.

ادامه دارد...

كنز العمال دارد و آن این است از پیغمبر اکرم «أَخْرُ مَا أَدْرَكَ النَّاسَ مِنْ كَلَامِ نُبُوءَةِ الْأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَاصْنَعْ مَا شِئْت»

### ■ وظیفه پدر و مادر در رشد دادن حیای فرزندان

در همه ابعاد، مسئله حیا در باب تربیت یک نقش زیر بنایی دارد. به این معنا که پدر و مادر که به طور معمول و متعارف دو مرتب دست اول برای انسان هستند، این‌ها آنچه را که باید روی آن دقت کنند این است که نکنند من پرده حیای این بچه را بدرم، بلکه پرده حیای او را حراست و حفاظت و رشد بدهند. نمی‌خواهد تو به او حیا بیاموزی نه! سرکوبش نکن، خود او شرم ذاتی دارد. این را رشدش بده. چه در بُعد دیداریات، چه در بُعد شنیداریات، چه در بُعد رفتاریات، چه با هیکل‌ات، چه با لباس، چه با لباسش. بالاترین جنایت پدر و مادر در باب تربیت نسبت به فرزند اینجاست که نعوذ بالله در این سه رابطه پرده حیای الهی این بچه را بدرند. اینکه بچه هر کاری دل او می‌خواهد بکند و هر چه می‌خواهد بگوید و هر چه می‌خواهد ببیند. لذا در باب تربیت این مسئله را داریم هیچ قابل شبهه هم نیست، که آن هسته مرکزی که کاربرد زیاد دارد در باب تربیت اینجاست. این را بدانید آن کسانی که اسیر هواهای نفسانی‌شان هستند که می‌خواهند در جامعه به اهداف شیطانی‌شان برسند از همین راه وارد می‌شوند: ترویج لابی‌گری، چه در بُعد الهی آن، چه در بُعد انسانی آن، در هر دو بُعد. همین کار را می‌کنند و به اهداف‌شان می‌رسند، جامعه را سوق می‌دهند به



زندگی به سبک مولا

نامه ۱۳۴

### شناخت قرآن

این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید. بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد. آیاتش در شناساندن خدا اختلافی نداشته و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی‌سازد.



### از باند پرواز تا همسایگی خدا...

نویسنده: لیلی زهدی

از زمینی ماندن تا آسمانی شدن تنها یک گام به عرض دو شانهاست فاصله است. پای دلت را که از زمین بگیری، همه چیز حل است؛ تو می‌مانی و آسمان. می‌گویی نه! امتحان کن. حتم دارم دلت که از زمین کنده شود، چه خواهی چه نه، پایت به آسمان باز می‌شود...

و آسمان یعنی کوچه خدا... یعنی همسایگی حبیب! و چه نیک است تو همان جایی سکونت کنی که خانه یار آنجاست.

به سر دوییدی. تنها با یک اشاره. و همه چیز از آن «یک اشاره» آغاز شد. همان جا که فصل شیداییات ورق خورد و دیگر روی پاهایت بند نبودی و همه آرزویت وصال طیب شد. مگر نه اینکه گفته بودی: «دردم از یار است و درمان نیز هم».

و چه خوش درخشیدی در پروانگی یار؛ آن قدر که نیک معنا کردی: «دل فدای او شد و جان نیز هم...»

به این در و آن در نزده بودی. مستقیم رفته بودی در خانه خدا. تو عبد بودی. عطش دیدار تو را تا او برده بود. تا آن بالاها. تا خال آسمان. سفره دلت را در دل آسمان فقط پیش یار گشوده بودی و می‌دانم که جز او کسی از دلت با خبر نشد که نشد... اما بگو آن بالا چه قولی داده و چه قولی گرفته بودی دلاور که پای محبوب ماندی تا لحظه آخر. حتم دارم تا دقیق آخر سر سپرده بودی و دل... و «در مرام دوست» اگر جز این باشد جای تعجب است. می‌دانم تو ساعت‌ها در چند قدمی خورشید با محبوب خلوت کرده بودی. از اوج گفته بودی و از اوج شنیده بودی. عباس جان! حکایت «تو» و «پرواز» و آن «پرنده آهنی» و «اوج» حکایت شیرینی است و صدالبته شنیدنی. تو باند زمین تا دل آسمان را یک‌شبه پیمودی و این صعود امکان‌پذیر نبود مگر با از خودگذشتگی نهادینه شده در گل وجودت. با ایشار داستان سخی تو در حق همنوعانت. اصلاً، عشق به همنوع از تو «عباس بابایی» ساخته بود و تردید ندارم که تو آمده بودی که فقط دست بگیری و خوب می‌دانم که جز این، تو را راضی نمی‌کرد. تو از خودت، حتی از خانواده‌ات گذشته بودی تیمسار! تو همانی بودی که تلویزیون خانه و تنها سرگرمی طفلانت را به

بچه‌های بی‌بابا بخشیدی. آب آشامیدنی روستاییان اصفهانی را خودت لوله‌کشی کردی و همان روستاییان حق‌شناس نام روستای‌شان را نام تو گذاشتند: «عباس آباد». و همه این دستگیری‌ها ریشه در گذشته داشت. همان موقع که نوجوانی بیش نبودی و کم‌درد بابای مدرسه از فکرت نرفت و هر روز صبح زود از دیوار مدرسه پایین می‌پریدی و حیاط مدرسه را جارو می‌زدی که مبادا مدیر عذر سرایدار مدرسه را بخواهد. بابایی بی‌باک! تو همانی بودی که نگذاشتی نمازت از وقتش بگذرد و در دفتر مسئول دانشکده پیش چشمان آن ژنرال آمریکایی روی یک تکه روزنامه به نماز ایستادی. بابایی بزرگ! تو خدا را هیچ‌گاه از یاد نبردی؛ حتی در بزنگاه‌های زندگی...

### خاطرات سبز

\* عباس به پایگاه رسید. ۴۸ ساعتی می‌شد که خوابیده بود. دنبال کسی می‌گشت. دنبال باغبان عیالوار پایگاه بود که به تازگی مریض شده بود؛ پیرمرد خمیده‌ای که هنوز کار می‌کرد. عباس که موفق به پیدا کردن باغبان نشده بود، از فرط خستگی همان‌جا کنار چمن‌ها خوابش برد. بیدار که شد پیرمرد را دید. احوالش را پرسید، پیشانی‌اش را بوسید و بیلش را گرفت. کمی خاک‌ها را جابه‌جا کرد. می‌دانست که پیرمرد با آن چهره تکیده نیاز به استراحت دارد. پیرمرد درباره ناراحتی کلیه‌اش و مخارج درمان گفت. حرفش که تمام شد بسته پولی را به طرف او گرفت. از او خواست همراهش بیاید دفتر تا برایش مرخصی بنویسد. به او گفت تا درمان نشدی، نیا. اشک در حلقه چشمان پیرمرد نشست. خواست دست عباس را ببوسد که او دستش را عقب کشید.

## آزادگان دفاع مقدس و رسالت زینبی

ناصر ملایی

«اگر روزی اسرا برگشتند و من نبودم سلام من را به آن‌ها برسانید و بگویید خمینی در فکر تان بود.»

۲۶ مرداد ماه سالروز آغاز بازگشت آزادگان سرافراز دفاع مقدس به کشورمان است. آزادگانی که تا آخرین گلوله و تا پای جان با دشمن جنگیدند بنابراین اسارت آن‌ها نه به معنای تسلیم به معنای اخص آن، بلکه ادامه مقاومت در دل دشمن بود. آزادگان به عنوان پیام‌آور انقلاب اسلامی در دفاع مقدس، در دوران اسارت نیز از آزادی و استقلال میهن اسلامی با وجود شرایط سخت حاکم بر اردوگاه رژیم بعثی دفاع کردند. دفاعی که ساختار آن مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و جلوه بزرگی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در تثبیت ارزش‌های متعالی دینی و ملی و نماد اراده ملتی بپا خواسته در برابر استکبار جهانی بود؛ استکباری که با تحمیل جنگ نابرابر به ایران تازه انقلاب کرده قصد اعاده منافع نامشروع از دست رفته‌اش را داشت. آزادگان کشورمان در بدترین شرایط حاکم بر اردوگاه‌های مخوف رژیم بعث عراق هیچ‌گاه از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی که با فرمان رهبرشان برای دفاع از آن در جبهه‌ها حضور یافته بودند دست برداشتند و به جرئت می‌توان گفت که بعد از جنگ سخت در پشت خاکریزها، مقابله با جنگ نرم را در دل خاک دشمن با توسل به آموزه‌های اسلام از جمله صبر و مقاومت آغاز کردند. آزادگان در دفاع مقدس با تاسی به عاشورا جنگیدند و بعد از اسارت نیز زینب‌وار در جهت حفظ آرمان‌های اسلام نقش خود را ایفا کردند. چون مرحوم ابوترابی پس از حضور در جمع اسیران با رهبری خاص خود و همچنین با تمسک به ائمه معصومین (ع)، معنویت و سعه صدر، مکر دشمنان را نقش بر آب کرد. همان‌طور که دفاع مقدس مردم ایران باعث شد دیگر ملت‌های تحت ستم با الگوگیری از این دفاع برای دستیابی به عدالت با دیکتاتورها مبارزه کرده و به پیروزی برسند، نوع مقاومت آزادگان کشورمان نیز افق روشنی برای مقاومت آزادیخواهان دربند رژیم‌های خونریز ایجاد کرده است.

## ایستگاه مقدس (خبر)

## اخطار سخنگوی ارشد نیروهای مسلح



سردار سرتیپ «ابوالفضل شکارچی» سخنگوی ارشد نیروهای مسلح در پاسخ به یاهوگویی‌ها و دروغ‌پردازی‌های رژیم جعلی صهیونیستی مبنی بر بمباران و هدف قرار دادن محل استقرار مستشاران ایرانی در سوریه، اظهار داشت: امپراطوری رسانه‌ای صهیونیستی غربی، اذتاب و پادوهای منطقه‌ای آنان مدتی هست برای ترسیم قدرت‌نمایی پوشالی و نمایش کاذب از توان رژیم ضد بشری، اشغالگر و کودک‌کش صهیونیستی به فعالیت مذبحخانه جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی و دروغ‌پردازی متوسل شده‌اند و اینگونه وانمود و خبرسازی می‌کنند که صدها یا هزاران ایرانی را تاکنون در سوریه کشته‌ایم.

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح خاطر نشان کرد: لذا به دروغ پردازان و خیمه‌شب‌بازان صهیونیست اخطار می‌کنیم، اقتدار محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران را بار دیگر بیازمایند که در این صورت، دست برتر و قدرتمند و غافلگیرکننده را در میدان عمل لمس خواهند کرد.

## رهاورد (انقلاب)

جهاد کبیر یعنی تبعیت نکردن از دشمن پنج شاخص [انقلابی بودن] که این‌ها را شرح خواهیم داد [عبارتند از]: شاخص اول، پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب؛ شاخص دوم، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها که آرمان‌های انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همت برای رسیدن به آن‌ها داشته باشیم؛ شاخص سوم، پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛ شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از او، که البته باید دشمن را شناخت، نقشه او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد - عرض کردیم که قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است؛ (سوره فرقان، آیه ۲۲) من این چند وقت دو سه بار در این‌باره صحبت کردم - شاخص پنجم، تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است. این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است؛ حالا درجات انقلابی بودن، همان‌طور که عرض کردیم، مختلف است. (۱۳۹۵/۳/۱۴)

## تغذیه و بهداشت



**رهنمود امام حسن مجتبی علیه السلام درباره سفره می فرماید:**  
 درباره سفره دوازده نکته است که هر مسلمانی باید آن‌ها را بداند. چهار نکته فرض لازم، چهار نکته مستحب و چهار نکته از ادب است. اما لازم: شناخت خدا، خشنودی خدا، بسم الله گفتن و الحمد لله گفتن. اما سنت: دست شستن پیش از غذا، نشستن بر سمت چپ بدن، با سه انگشت خوردن و لیسیدن انگشتان (اگر با دست بخورد)، و اما ادب: از نزد خود خوردن، لقمه کوچک برداشتن، خوب جویدن و کم نگرستن به چهره دیگران.

منبع: الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۹

### درمان با نوشیدنی‌ها

نوشیدنی‌ها را به دو گروه عمده تقسیم می‌کنند؛ نوشیدنی‌های سرد و نوشیدنی‌های گرم.  
 هر نوع نوشیدنی جایگاه خاص خود را دارد و اگر به موقع استفاده شود، نتیجه جالبی در بر خواهد داشت. نوشیدنی‌ها علاوه بر اینکه نیازمندی‌های بدن را تأمین می‌کنند، بسیاری از ناراحتی‌ها و کسالت‌ها را نیز برطرف می‌سازند.  
 در این ستون، نوشیدنی‌هایی که برای شما خواننده گرامی مفید است را معرفی کنیم. امید است با استفاده از این نوشیدنی‌ها، همواره از سلامتی و نشاط کامل برخوردار شوید.



#### شریت مخصوص نیروزا

**مواد لازم:** مغز بادام خام ۲۰ عدد، مغز گردو ۴ عدد، مغز پسته خام ۱۵ عدد، بادام هندی ۵ عدد، چلغوز خام تازه ۱۰ عدد، عسل ۳ قاشق غذاخوری، خرما ۷ عدد، موز متوسط ۱ عدد، کنگد خام پوست کنده ۱ قاشق غذاخوری، پودر نارگیل ۱ قاشق غذاخوری، آب سرد ۵ لیوان، زعفران نصف قاشق چایخوری.  
**طرز تهیه:** مغز بادام‌ها را خیس کنید و پوست بکنید. هسته خرماها را درآورده و چلغوزها را هم از پوست جدا کنید. حال تمام مواد را در مخلوط‌کن کاملاً مخلوط کنید تا به صورت شیر درآید.  
**خواص:** این نوشیدنی نیروزا مخصوص ورزشکارانی است که ورزش‌های سنگین انجام می‌دهند.



#### دم کرده فلوس

مغز فلوس یک قاشق غذاخوری، در دو لیوان آب جوش در قوری ریخته و به همراه مقداری نبات دم کرده و میل کنید.  
**خواص:** طبیعت گرم،

پایین‌آورنده فشار خون، برفک دهان، ملین، مسهل قوی، ضد صفرا، ضد یبوست‌های مزمن، ضد تورم امحا و احشا.

منبع: تغذیه در طب ایرانی اسلامی، دکتر غلامرضا کردافشاری و ...

صفحات ۱۸۴ و ۱۹۴

### درمان با گیاهان

«تمامی گیاهانی که در زمین می‌رویند، از هر نظر مهم و آیات روشنی از عظمت خداوندی هستند. امروز اگرچه درصد کمی از داروها را مواد گیاهی تشکیل می‌دهد، اما اکثر داروهای حیاتی با ارزش همچون داروهای قلب، چشم، فشار خون، ضد سرطان و مسکن‌ها چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، منشأ گیاهی دارند. تا کمترین عارضه و بهترین اثر درمانی را داشته باشند. هر گیاه حاوی چندین ماده مؤثره است که هر کدام اثرات مختلف و جالبی دارند، به علاوه هر گیاه دنیایی از رمز و راهای ناشناخته است که بشر را در مقابل این دنیای شگفت قرار داده است.» (مقدمه کتاب پیشگیری و درمان بیماری‌ها با پیاز و سیر، تألیف دکتر پورعبدالله) مرحوم دکتر عبدالله پورعبدالله با مطالعه کتاب‌های قدیم و جدید، نشریات معتبر بین‌المللی و کارهای علمی پیرامون تهیه داروهای گیاهی چندین کتاب به تألیف رسانده است که به دلیل علمی بودن و مؤثر بودن این داروها «تشریه اسوه» این مطالب را در چندین شماره در این ستون درج کرده است. باشد که به امید خدا درمان بسیاری از دردهای شایع باشد.



#### اثرات شفا بخش پیاز

پیاز یک داروی خانگی است. از عصاره آبی این گیاه به همراه عسل، شربت تهیه می‌شود که مصرف یک قاشق غذاخوری آن سه بار در روز در پیشگیری و درمان سرماخوردگی و آسم و برونشیت مؤثر است. پیاز خام ترشح اسید معده را زیاد می‌کند، لذا باعث افزایش اشتها و نیز هضم بهتر غذا می‌شود. خوردن پیاز به همراه غذاهای چرب و یا در غذاهای بیرون از طریق دو اثر هضم بهتر چربی‌ها و ضد عفونی‌کننده دستگاه گوارش توصیه می‌شود که مانع از ایجاد سوء هضم، سنگینی معده و نیز عفونت‌های گوارشی می‌گردد. بوی پیاز باعث افزایش سطح هوشیاری در بیماری که در حالت بیهوشی است، می‌شود. مصرف پیاز پخته همراه با کره برای رفع یبوست و برطرف کردن نفخ روده‌ها مفید است. مصرف پیاز می‌تواند موجب سردرد شود که مصلح آن سرکه است. شربت پیاز که همراه با عسل و در حرارت ملایم تهیه شده باشد، جهت رفع نارسایی کلیه، دستگاه مجاری ادراری مؤثر است.

منبع: پیشگیری و درمان بیماری‌ها از پیاز و سیر، دکتر عبدالله

پورعبدالله، صفحات ۴۶ و ۴۷



رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: خدا عذاب قبر را از سه دسته از زنان برمی دارد و در روز قیامت با فاطمه دختر رسول خدا محشور خواهند شد؛ زنی که بر غیرت شوهرش شکیبایی کند و زنی که در برابر بداخلاقی شوهرش شکیبایی کند و زنی که مهریه اش را به همسرش ببخشد. خدا به هر یک از آنان ثواب هزار شهید می دهد.

(ارشادالقلوب، ص ۱۷۵)

## تقلید از دختر پیامبر

نویسنده: فخری مرجانی

خواستگاران فراروان بود. نقل است عده ای از نامداران صحابه از او خواستگاری کردند. عده ای دیگر نیز از میان نامداران مهاجرین، برای خواستگاری فاطمه (ع) به نزد پیامبر (ص) رفتند و گفتند حاضریم برای این وصلت، مهر سنگینی تقبل نماییم. اما رسول خدا (ص) به آن ها فرمود اختیار فاطمه در دست خداست. چگونه اختیار سرور زنان عالم در دست خدا نباشد که او بنده واقعی خداست!

تا سرانجام، آن روز جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و فرمود: «ای محمد! خدا بر تو سلام می رساند و می فرماید فاطمه را به عقد علی در آور. خداوند علی را برای فاطمه و فاطمه را برای علی پسندیده است.» امیرالمؤمنین (ع) نیز از خواستگاران فاطمه (س) بود، اما شرم و حیا مانع از عنوان کردن این مطلب به رسول خدا می شد، تا بنا بر امر الهی این وصلت صورت گرفت. بدین ترتیب بود که مقدمات زفاف فراهم شد و حضرت فاطمه (س) با مهری اندک (بر خلاف رسوم جاهلی که مهر بزرگان بسیار بود) به خانه امام علی (ع) قدم گذارد.

در روایات متعددی نقل است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: اگر علی نبود، فاطمه همتایی نداشت. فاطمه (س) با آن همه فضیلت، همسری نیکو برای امیر مؤمنان بود. روایت شده هنگامی که علی (ع) به فاطمه (س) می نگرست، غم و اندوهش زدوده می شد.

مقام معظم رهبری در توصیه به جوانان در امر ازدواج می فرماید: «بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا (س) بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها حضرت امیرالمؤمنین (ع) بود. ببینید این ها چگونه ازدواج کردند؟ هزاران جوان زیبا و با اصل و نسب و قدرتمند و محبوب به یک تار موی علی بن ابیطالب (ع) نمی ارزند. هزاران دختر زیبا و با اصل و نسب هم به یک تار موی حضرت زهرا (س) نمی ارزند. آن هایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم بزرگان زمان خودشان بودند. ایشان دختر پیامبر (ص) بود. رئیس جامعه اسلامی، حاکم مطلق. او هم که سردار درجه یک اسلام بود. ببینید چطور ازدواج کردند؟ چه جور مهریه کم، چه جور جهیزیه کم. همه چیز با نام خدا و با یاد او. این ها برای ما الگو هستند. همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه دختران شان بسیار زیاد بود مثلاً هزار شتر. آیا این ها از دختر پیامبر (ص) بالاتر بودند؟ از آن ها تقلید نکنید. از دختر پیامبر (ص) تقلید کنید، از امیرالمؤمنین (ع) تقلید کنید.» (۱۳۷۵/۲/۱۷)

و اینگونه و با رهنمودهای ارزشمندی زن و شوهر باید با همدلی و همکاری، حافظ راه خدا باشند و هم را در امر بندگی خداوند یاری رسانند؛ با توصیه به صبر و حق؛ که اگر هر یک در این امر کوتاهی کنند، ضرر و زیان آن شامل خودشان و نسل شان خواهد شد.

ارزش والای اهل بیت پیامبر  
ما تکیه‌گاه میانه‌ایم. عقب‌ماندگان  
به ما می‌رسند و پیش‌تاختگان به ما  
باز می‌گردند.

حکمت ۱۰۹

## اهل بیت (ع) حافظان قرآن

مهم‌ترین عامل نفوذ روحانی و معنوی اسلام در آغاز ظهورش دو چیز بود؛ یکی خود قرآن که خود به خود نفوس مستعد را مطیع و منقاد می‌ساخت و یکی دیگر سیره و طرز اخلاق و رفتار ملکوتی و آسمانی پیغمبر اکرم (ص). پیغمبر اکرم مجسمه‌ای بود از مکارم اخلاق و به طوری بود که خواه ناخواه هر بیننده‌ای را مؤمن می‌ساخت که این مرد مردی است الهی و ملکوتی. اهل بیت پیغمبر نمونه‌هایی از همان اخلاق آن حضرت بودند. آن‌ها علاوه بر آنچه از راه زبان به تعلیم و تدریس شاگردان و بسط و نشر معارف اسلامی می‌پرداختند، طرز رفتار مقرون به حقیقت و ایمان‌شان برای عموم آموزنده و پرورش‌دهنده بود. شما دو سنت را در میان همه ائمه (ع) می‌بینید که به طور وضوح و روشن هویدا است. یکی عبادت و خوف از خدا و خداباوری است. یک خداباوری عجیب در وجود این‌ها هست، از خوف خدا می‌گریند و می‌لرزند، گویی خدا را می‌بینند، قیامت را می‌بینند، بهشت را می‌بینند، جهنم را می‌بینند. درباره موسی بن جعفر (ص) می‌خوانیم: «خَلِيفَ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ وَالذَّمْعِ الْغَزِيرَةِ» یعنی هم قسم سجده‌های طولانی و اشک‌های جوشان. تا یک درون منقلب جوشان نباشد که انسان نمی‌گیرد. سنت دومی که در تمام اولاد علی (ع) دیده می‌شود همدردی و همدلی با ضعفا، محرومان، بیچارگان و افتادگان است. اصلاً انسان برای این‌ها یک ارزش دیگری دارد. امام حسن (ع) را می‌بینیم، امام حسین (ع) را می‌بینیم، زین‌العابدین (ع)، امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، امام کاظم (ع) و ائمه بعد از آن‌ها؛ در تاریخ هر کدام از این‌ها که مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم اصلاً رسیدگی به احوال ضعفا و فقرا برنامه این‌هاست. آن هم به این صورت که شخصاً رسیدگی کنند، نه فقط دستور بدهند، یعنی نایب نپذیرند و آن را به دیگری موکول نکنند. امام رضا (ع) در دستگاه مأمون سخنانی ایراد نمود که مضمونش این است: «ما (یعنی ما اهل بیت، ما ائمه) حقی داریم بر شما مردم به اینکه ولی امر شما باشیم؛ معنایش این است که این حق اصلاً مال ما هست و چیزی نیست که مأمون بخواهد به ما واگذار کند. و شما در عهده ما حقی دارید. حق شما این است که ما شما را اداره کنیم و هرگاه شما حق ما را به ما دادید (یعنی هر وقت شما ما را به عنوان خلیفه پذیرفتید) بر ما لازم می‌شود که آن وظیفه خودمان را درباره شما انجام دهیم. والسلام.»

منبع: مرتضی مطهری، سیره معصومین، صفحات ۵۶، ۱۴۱

پیامبر (ص) صبحگاهان، در حالی که حسین (ع) در آغوشش بود و دست حسن (ع) را در دست گرفته بود و فاطمه (ع) پشت سر وی و علی (ع) پشت سر فاطمه (ع) حرکت می‌کردند، آمد و می‌فرمود: «هرگاه من دعا کردم، شما آمین بگویید». اُسْقَف نَجْران گفت: ای مسیحیان! من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر خداوند بخواهد کوهی را از جایش بکند، به خاطر این چهره‌ها خواهد کند. با آنان مباحله نکنید که نابود خواهید شد و تا روز قیامت بر روی کره زمین، مسیحی‌ای باقی نخواهد ماند.

منبع: تفسیر الفخر الرازی، ج ۸، ص ۸۸

# خورشید عالم تاب

## ختم کلام

نویسنده: ل. ز. (اوج)

## خورشید عالم تاب

چند روزی است که خورشید در قاب آبی آسمان نیست  
زمین روی آفتاب را ندیده  
و زمان در تیک تاک عقربه‌ها گم شده  
خورشید که نباشد، نه فقط من و تو  
که زمین و زمان هم سردرگم است  
کدورت می‌نشیند بر قلب زمین  
و کسالت فرامی‌گیرد زمینیان را  
مگر نه اینکه خورشید سرمایه بزرگ زمین است؟

همه دارایی خاک!

همه دارایی ریشه‌های تاک و ستاک

سهم غنچه‌های باغ

سهم قمری و کبوتر و زاغ

سهم دستان پینه‌بسته دهقان

حتی سهم پاهای نیمه‌جان آن پیرزن چارقده که کمر بسته ناتوان

خورشید سهم من است، سهم تو، سهم زمین

سهم جوانه

سهم بذر و دانه

سهم نخل‌های جنوب

سهم آب‌های شمالی

سهم خوشه گندم‌های طلائی

و خدا نکند که نباشد، این ضرورت ماورائی

آقا جان!

زمین بدون خورشید، یعنی غروب

و غروب یعنی دل‌تنگی...

خورشید عالم تاب!

دل‌تنگیم

سردرگمیم

حیرانیم

این زمین فرای خورشید آسمانی، خورشید وجودت را کم دارد  
بیا و از گرمای وجودت به تن سرد زمین و به دل تنگ زمینیان ببخش



امام باقر علیه السلام؛ روز عرفه؛  
روز دعا و درخواست است.

(بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴)

## مقام ولایت در قرآن

یکی دیگر از مقام‌هایی که خداوند بزرگ به پیامبر اکرم (ص) عطا فرموده، مقام ولایت و حاکمیت بر امت است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.» (مائده، ۵۵ و ۵۶) ولی امر شما فقط خدا و رسول و مؤمنانی هستند که نماز را به پا می‌دارند و به فقیران در حال رکوع زکات می‌دهند، و کسانی که ولایت و فرمانروایی خدا و رسول و اهل ایمان را بپذیرند، [پیروزند؛ چرا که] لشکر و حزب خدا، همواره پیروز و غالب خواهند بود.

این ولایت، ولایت در اطاعت امر و ولایت در امر و نهی است؛ از همین رو در آیه دیگری می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ.» (نسا، ۵۹) از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خودتان نیز پیروی کنید. «الذین آمنوا» که در دو آیه پیشین بدان اشاره شد، همین «اولی الامر» است و طبق روایاتی که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، منظور از اولی الامر، امامان دوازده گانه (ع) هستند. ممکن است کسی بگوید که این مقام، لازمه مقام نبوت است. آن حدیث را همه شنیده‌اند که اسلام بر پنج چیز مبتنی است که مهم‌ترین آن‌ها ولایت است، یا فرمود: کسی که امامش را نشناسد، یعنی نداند از چه کسی باید اطاعت کند، اگر در این حال بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است.

شناختن امام عصر (عج) این نیست که آدم اسمش و اسم پدر و مادرش را بداند؛ بلکه به این معنا است که او را به ولایت و امامت بشناسد. او را ولی امر و واجب‌الإطاعة بدانند؛ زیرا اگر نداند از چه کسی باید اطاعت کند، در بازی‌های سیاسی هضم و گمراه خواهد شد و آن گاه جامعه اسلامی به تفرقه و از هم پاشیدگی تهدید خواهد شد. بر این مقام مطاع بودن، اسم‌های گوناگونی را می‌توان اطلاق کرد. اسمی که در فرهنگ ما پس از انقلاب رایج شده، «ولایت» است. پیامبر اکرم (ص)، مقام ولایت امر مسلمانان را داشت و از این رو اطاعتش بر همه مسلمانان واجب بود. به عقیده ما شیعیان، این مقام، پس از رسول خدا (ص) به امیرمؤمنان (ع) منتقل شد. این همان نقطه افتراق شیعیان با فرقه‌های دیگر اسلامی است.

# وام قرض الحسنه اسوه

کیست که به خداوند وام دهد، وامی نیکو تا خداوند آن را برای او چندین برابر ببفزاید و خداوند (روزی بندگان را) محدود و گسترده می‌سازد و به سوی او بازگردانده می‌شود.

سوره مبارکه نور، آیه ۲۴۵

بنا به درخواست مکرر اعضای محترم وام، ثبت نام دوره جدید وام‌های ۵، ۱۵، ۳۰ و ۵۰ میلیون تومانی صندوق قرض الحسنه مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران با شرایط جدید و ویژه (بدون سود و کارمزد) آغاز گردید.

- قرعه‌کشی تمام ماه‌ها همان ماه اول به شرط حضور کلیه اعضای وام در جلسه توجیهی.
- پرداخت وام به حساب افراد ۱۵ تا ۳۰ روز پس از قرعه‌کشی (به شرط آنکه همه اعضا اقساط خود را بدون تأخیر واریز نمایند و حادثه غیرمترقبه‌ای مانند دوران ویروس کرونا و تعطیلی پیش نیاید).
- بیمه مانده بدهکار وام زمان پرداخت وام جهت آسودگی خاطر سایر اعضای وام.

در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید. (سوره مائده، آیه ۲)

شما هم می‌توانید از هم‌اکنون عضو صندوق وام ما باشید و از بهره معنوی وام قرض الحسنه بهره‌مند گردید.

## مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران

ردیف	مبلغ وام	میزان سود و کارمزد	مبلغ اقساط	تعداد نفرات (تعداد ماه)
۱	وام ۵ میلیون تومانی	صفر درصد	۵۰۰ هزار تومان	۱۰
۲	وام ۱۵ میلیون تومانی	صفر درصد	۵۰۰ هزار تومان	۳۰
۳	وام ۳۰ میلیون تومانی	صفر درصد	۷۵۰ هزار تومان	۴۰
۴	وام ۵۰ میلیون تومانی	صفر درصد	یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان	۴۰

جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام می‌توانید از شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر با شماره‌های زیر تماس حاصل فرمایید:  
**۵۵۳۹۰۱۲۰ - ۵۵۴۸۲۰۲۵ - تلفن داخلی (۱)**

**نشانی:** تهران، کارگر جنوبی، روبه‌روی دانشگاه علامه طباطبایی، کوچه شهید غیاثوند قیصری، بن بست آریا، پلاک ۶، زنگ سوم

نشانی سایت: [www.osveh.org](http://www.osveh.org) تلگرام: @osveh\_org اینستاگرام: @osveh\_org



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی، قرآن عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین(ره)

راه‌های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: [www.osveh.org](http://www.osveh.org)

درگاه الکترونیکی: <http://www.osveh.org>

کانال تلگرام: @osveh\_org

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: @osveh\_org

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: @chashni\_zoodpaz

**نشانی:** تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین‌تر از چهار راه لشکر - روبه‌روی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۵۵۴۸۲۰۲۵ - ۰۲۱